

Analysis of soft power and its effect on the national security of the Islamic Republic of Iran

Morteza Jawanmardi¹

Bijan Mirzai²

Abstract

International power is considered one of the essential and fundamental components in international politics. In the classical view, power has been analyzed primarily from a hard power perspective. Consequently, governments, politicians, and policymakers have been encouraged to understand and utilize hard power. However, with the examination of soft power and related concepts such as soft overthrow, soft warfare, and soft security, these ideas quickly gained significant attention in the political discourse of various countries, including the Islamic Republic of Iran.

This study, employing a descriptive-analytical approach and using library and online resources, seeks to answer the question: What is the analysis of the Islamic Republic of Iran's soft power and its impact on national security? The findings indicate that the most important components of Iran's security in the realm of soft power stem from the dominant values of society, the values of the Islamic Revolution, and soft power in higher-level documents, all of which have a direct relationship with ensuring national security.

Keywords: power, soft power, security, national security, national security of the Islamic Republic of Iran.

¹ Urban Planning Geography Expert, Ahvaz Islamic Azad University, Khuzestan, Iran
M.jawanmardi56@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran
Bizhan.mirzaei@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

Knowledge of political interpretation

Vol 6, No 19, Spring 2024

ppt 131-159

دانش تفسیر سیاسی

سال ششم، شماره نوزدهم، بهار ۱۴۰۳

صفحات ۱۳۱-۱۵۹

تجزیه و تحلیل قدرت نرم و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مرتضی جوانمردی^۱

بیژن میرزائی^۲

چکیده

قدرت بین‌المللی یکی از مؤلفه‌های اساسی و بنیادین در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. در نگاه کلاسیک از قدرت جنبه سخت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. لذا حکومت‌ها، سیاست‌مداران و سیاست‌ورزان را در جهت تلاش برای شناخت قدرت سخت و به‌کارگیری آن نیز ترغیب می‌نمودند. با بررسی قدرت نرم و مقوله‌های مرتبط با آن از جمله براندازی نرم، جنگ نرم و امنیت نرم در ادبیات سیاسی به سرعت در گفتمان‌های سیاسی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران نیز جایگاه قابل توجهی یافت. در این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در پی پاسخ به این سؤال هستیم که تجزیه و تحلیل قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی چیست؟ یافته‌های نشان می‌دهد که مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت ایران در حوزه قدرت نرم این است که قدرت نرم آن از ارزش‌های مسلط جامعه، ارزش‌های انقلاب اسلامی، قدرت نرم در اسناد بالادستی نشئت می‌گیرد که رابطه مستقیم با تأمین امنیت ملی دارد.

^۱ کارشناس جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، خوزستان، ایران (نویسنده مسئول).

M.javanmardi56@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

واژگان کلیدی: قدرت، قدرت نرم، امنیت، امنیت ملی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

۱. مقدمه

با جهانی شدن فرهنگ، پیشرفت روزافزون ارتباطات و گسترش اطلاعات در سطح جهانی، قدرت نرم از اهمیت بیشتری برخوردار شده و مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است. قدرت نرم مفهوم انتزاعی تر و معنوی تری از قدرت را که اغلب با وجه سخت افزاری آن تصور می شود، به نمایش می گذارد.

شیوه تأثیرگذاری در قدرت نرم بسیار خاص است و بدون آنکه از اجبار و تطمیع استفاده شود، از شیوه های جذب و اقناع بهره برداری می شود. در حقیقت، در این شیوه از اثرگذاری، شخص یا واحد مقابل به طور خودآگاه یا ناخودآگاه، اما به هر حال از روی رضایت، کاری را انجام می دهد که از سوی قدرت تأثیرگذار از وی خواسته می شود.

از نظر پروفیسور جوزف نای استاد برجسته دانشگاه هاروارد، قدرت به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب است و راه های متعددی برای این اثرگذاری وجود دارد: مانند تهدید، متقاعد کردن از طریق پرداخت مالی یا جذب دیگران و همکاری با آنها. به نظر وی قدرت در یک طبقه بندی به دو نوع سخت و نرم تقسیم می شود که قدرت سخت مبتنی بر سیاست تهدید و تشویق برای رسیدن به خواسته ها و منافع یک کشور است و قدرت نرم نیز توانایی به دست آوردن خواسته ها از طریق مجذوب کردن به جای اجبار و تشویق است. (مکرمی پور و رستمی، ۱۴۰۱: ۱۳۵) قدرت نرم در جامعه اسلامی نیز ماهیتی دینی و الهی دارد و در چارچوب شرع قابل فهم است و در غیر این صورت فاقد مشروعیت است. از این جهت قدرت نرم در حوزه سیاست و دین اقتضائاتی دارد که عبارت است از: احکام شریعت، اخلاق، توحید، خدامحوری، عدالت، کرامت انسانی و غیره همگی بر قدرت نرم حاکم اند و مشروعیت آن را تأیید می کنند. (جعفری پناه و پورا احمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۳)

خاستگاه‌های مؤلفه‌های قدرت نرم، از منظر اسلام دارای منشأ الهی و آسمانی است. به عبارت دیگر، صرف مؤلفه‌های مادی قدرت، بدون توجه به جنبه‌های الهی و آسمانی است. به عبارت دیگر، صرف مؤلفه‌های قدرت بدون توجه به جنبه‌های الهی و آسمانی مدنظر اسلام نیست. جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آموزه‌های اسلام و تأکید بر مؤلفه‌هایی مانند فرهنگ و ارزش‌های سیاسی شکل گرفت. این امر ماهیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از دیگر نظام‌ها متفاوت ساخت.

در مفهوم‌سازی اولیه از قدرت نرم مؤلفه‌هایی مثل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی بیان شده است. بر این اساس، مؤلفه‌های قدرت نرمی که در اسلام مطرح است، متفاوت از آن چیزی است که در مفهوم‌سازی اولیه از این قدرت توسط جوزف نای ارائه شده است. علت این تفاوت، دو نوع نگاه به قدرت، انسان اخلاق و خداست. (جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۵)

قدرت نرم ایران با ریشه‌های دینی و ملی عامل مهم در تقویت فرهنگ سیاسی شیعه ریشه دارد و دارای پتانسیل بسط قدرت نرم در ابعاد سیاسی در دو بخش داخلی و خارجی است. بازشناسی، تقویت این قدرت و به فضل رساندن جنبه‌های سیاسی آن، احصای فرصت‌های داخلی و خارجی، همراه با شناسایی نقاط آسیب و اتخاذ تدابیر و تمهیدات لازم در تدارک اقدامات مناسب آفندی در مواجهه با تهدیدات گوناگون می‌تواند قدرت نرم، اهمیت جانبه و اقتدار نظام و جامعه اسلامی ایران را تضمین کند. (ملک‌زاده، ۱۳۹۳: ۱). سوال پژوهش این است که تجزیه و تحلیل قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی چیست؟ فرضیه این است که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از ارزش‌های مسلط جامعه، ارزش‌های انقلاب اسلامی، قدرت نرم در اسناد بالادستی نسبت می‌گیرد که رابطه مستقیم با امنیت ملی دارد. روش تحقیق مورداستفاده توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری داده‌ها و کتابخانه‌ای استفاده از منابع اینترنتی استفاده شده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱ - ۲ - پیشینه تحقیق

طبق مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته، تحقیقی که به‌طور مستقیم به موضوع حکمرانی دانش سازمانی به‌مثابه قدرت نرم پرداخته باشد، ملاحظه نشده لیکن تحقیقات داخلی و خارجی مرتبطی انجام گرفته است که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. رحمان سرشت و حسن‌زاده (۱۳۹۶) در مقاله «تسهیل همکاری و به اشتراک‌گذاری دانش بین سازمانی به‌واسطه اعتماد بین سازمانی نشان می‌دهند که اهداف مشترک و درونی‌سازی رابطه، به‌طور مثبت برافزایش اعتماد بین سازمانی مؤثر است و اعتماد بین سازمانی برافزایش همکاری و در نتیجه افزایش احتمال به اشتراک‌گذاری دانش بین سازمانی تأثیرگذار است. ۱۰ محمدی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی رابطه مدیریت دانش با عملکرد سازمانی» به این یافته رسیدند که بین مدیریت دانش و عملکرد سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. (2019) در مقاله «تحلیل توانمندسازی مدیریت دانش در تقسیم دانش» جینان و هاسیبیون نشان دادند که متغیرهای اعتماد بین فردی، اثربخشی، آگاهی از بعد شخصی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات از بعد فناوری، متغیری است که بیشترین تأثیر را در تقسیم دانش دارد 2. و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله «رابطه بین فرآیندهای مدیریت دانش و عملکرد در زیم سازمان‌ها» به این یافته دست یافتند که بین فرآیندهای مدیریت دانش و عملکرد در سازمان‌ها رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

زهرآ پیشگاهی فرد و همکاران (۱۳۹۰): نویسندگان در این مقاله عنوان می‌کنند شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده است مؤلفه‌های جدیدی در ساختارهای رسمی بین‌الملل نقش ایفا کنند و کشورها برای تأمین منافع ملی خود ابزارهای و راه‌های جدیدی را

به کارگیرند که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان بهره‌گیری از قدرت نرم دانست، جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت‌های حساس استراتژیک و ژئوپلیتیک خود ناگزیر است. ضمن توجه و تقویت جنبه‌های مختلف قدرت سخت (توان نظامی و اقتصادی) به تقویت ابعاد قدرت نرم خود نیز بپردازد. ایران زمانی می‌تواند از قدرت نرم خود بهره برده و به تقویت ملی خود را دست یابد که استراتژی، راهبرد و نیز ارزش‌های مطلوب خود را به گونه‌ای ارائه دهد که از دو بعد ملی و فراملی از مؤلفه‌های تولید قدرت نهایت بهره‌برداری را به عمل آورد و در نهایت نتایج پژوهش مذکور نشان می‌دهد مؤلفه‌های قدرت نرم در مجموع اثرگذاری مثبتی بر قدرت نرم، بهره‌برداری بهینه مناسبی کند. (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۱)

افضلی، رسول (۱۳۹۷) در مقاله مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان معتقدند برای شاخص‌های قدرت نرم نظرات پاسخگویان در رشته‌های مختلف جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات بین‌الملل و تعداد ۱۶ شاخص اساسی برای قدرت نرم تعیین شد که به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: در بعد فرهنگی به لحاظ تاریخ و تمدن کهن و چندین هزارساله، موقعیت ژئوکالچری از نظر اشتراک و پیوندهای زبانی کشورهای منطقه، موقعیت ممتاز ژئوکالچری از لحاظ همگرایی مرکزیت فرهنگی - مذهبی در منطقه و کسب افتخارات ورزشی و میزبانی مسابقات جهانی یا حتی منطقه‌ای در بعد اقتصادی مشارکت در ایجاد و عضویت نهادهای تجاری و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی و در نهایت بعد سیاسی شاخص وحدت و اعتماد ملی، انسجام سیاسی - اجتماعی، ارتباطات دیپلماتیک مطلوب و گسترده، بهره‌برداری از دیپلماسی عمومی، برگزاری و مشارکت در کنفرانس بین‌المللی را مطرح می‌نماید. (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۸)

قدسی، امیر (۱۳۹۱)، در مقاله قدرت نرم و امنیت پایدار در پرتو بازتولید سرمایه اجتماعی، هدف نویسنده در پژوهش مذکور آن است که فرصت‌ها و چالش‌های تحقق امنیت پایدار

جمهوری اسلامی ایران را با رویکرد قدرت نرم مورد بررسی قرار می‌دهد و بر این پایه استوار است که افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش قدرت نرم به امنیت پایدار می‌انجامد. (قدسی، ۱۳۹۱: ۱۳۵)

پوستین چی، زهرا (۱۳۸۹)، در مقاله قدرت نرم در گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، نویسنده در این مقاله شاخص‌های مربوط به امنیت سازی از طریق گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد، گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدهای متنوع از شاخص‌های قدرت نرم بهره می‌گیرد، در واقع گفتمان مقاومت نمادی از قدرت نرم در روند امنیت سازی در مقابله با تهدیدهای امنیتی محسوب می‌شود. همچنین مقاله مذکور طبق رهیافت انسجام اجتماعی ایدئولوژیک بر این موضوع تأکید دارد که گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ماهیت نامتقارن و فرهنگ محور دارد، دیگر اینکه فرآیند کنترل تهدیدها و امنیت سازی از طریق گسترش نمادهای هویتی و انسجام اجتماعی در قالب گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی انجام گرفته است و همچنین گفتمان قدرت نرم و پیوندهای آن با شاخص‌های امنیت نامتقارن فرهنگی، محور اصلی گفتمان امنیتی ایران برای مقابله با تهدیدهاست. (پوستین چی، ۱۳۸۹: ۱۰).

تعاریف مفاهیم

قدرت

قدرت به معنای توانایی تأثیر گذاری بر رفتار دیگران به منظور رسیدن به نتایج دلخواه است. برای تحت تأثیر قرار دادن رفتار دیگران چندین راه وجود دارد. می‌توان آن‌ها را با تهدید یا اعمال قوه قهریه مجبور به انجام کاری کرد؛ می‌توان با کاربرد منابع اقتصادی دیگران را وادار به تبعیت کرد یا اینکه با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت آن‌ها را جذب و با خود همراه کرد (nye, 2004: 16). همواره قدرت به مثابه مهم‌ترین ابزار دستیابی به اهداف مورد توجه دولت مردان بوده و هست. برخی نیز بر این عقیده‌اند که قدرت توانایی

و ظرفیت انجام کارهاست (گالبرایت، ۱۳۷۱: ۸). به نظر گروهی دیگر قدرت توانایی کسب نتایج دلخواه است (spykman, 1942: 11). دسته سومی هم اذعان می‌کنند؛ قدرت تأثیرگذاری بر رفتار دیگران است (جاکووالس، ۱۳۷۳: ۱۸ به نقل از افضلی و همکاران: ۱۳۹۷: ۱۲۲). به‌طور کلی دستیابی به قدرت، دلیل اصلی رقابت‌ها، کشمکش‌ها، نزاع‌ها و نیز شکل‌گیری دسته‌بندی‌ها و پیمان‌های دو یا چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی است که بر همین اساس نظم اجتماعی و روابط کشورها و انسان‌ها نیز شکل می‌گیرد. قدرت توانایی یک بازیگر را در استفاده از منابع و امکانات در جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود نشان می‌دهد. (دشتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲) به همین سبب، برخی قدرت را کلیدی‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل می‌دانند (انعامی علمداری، ۱۳۸۷: ۲۹ به نقل از پیشگاهی‌فرد و همکاران: ۱۹۲).

به اعتقاد جفری هارت، قدرت را می‌توان با استناد به سه شاخص، مشاهده و اندازه‌گیری کرد:

- ۱- کنترل بر منابع؛
 - ۲- کنترل بر بازیگران؛
 - ۳- کنترل بر حوادث و نتایج. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۳: ۱۵۳)
- همچنین در یک سطح کلی، قدرت، مفهوم تأثیرگذاری بر رفتار دیگران در به دست آوردن نتیجه دلخواه است. روش‌های تأثیرگذاری بر رفتار دیگران عبارت است از:
- ۱- می‌توان با تهدید کسی را وادار به کاری کرد.
 - ۲- می‌توان با ترغیب کسی را وادار به کار کرد.
 - ۳- می‌توان کسی را جذب کرد یا به همکاری پذیرفت. (صبوری، ۱۳۹۰: ۴۰)

از نظر صاحب نظران قدرت انواعی دارد که به می توان در پنج گروه اصلی به آن‌ها اشاره کرد:

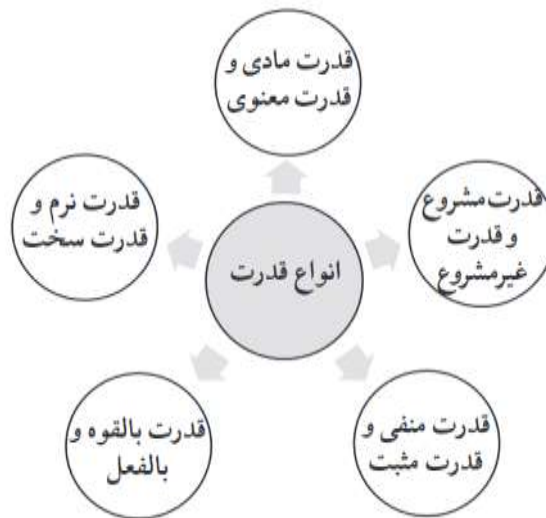
الف- قدرت مادی و معنوی (دوئرتی و فالینز گراف (۱۳۷۶: ۶۷)

ب- قدرت مشروع و غیر مشروع (مطهری نیا، ۱۳۸۷: ۷۶)

ج- قدرت منفی و مثبت (سنجابی، ۱۳۸۰: ۷۶)

د- قدرت بالقوه و بالفعل

ه- قدرت نرم و قدرت سخت (گروه مطالعاتی امنیت ملی، ۱۳۸۷: ۸۸)



۱. قدرت نرم

نکته حائز اهمیت در این پژوهش این است که ابعاد نرم‌افزاری قدرت یا نرم‌افزار گرایی؛ اصطلاحی است که نظریه پرداز آمریکایی در زمینه ضرورت بهره‌گیری ایالات متحده از منابع قدرت نرم گرفته شده است. لذا به لحاظ پیشینه‌ی موضوع، مفهوم قدرت نرم را

می‌توان در آثار هانس جی مورگنتا و کلاس کنورو رای کلاین پیگیری کرد (Gill & Huang, 2006: 65).

از حیث مفهومی، واژه «قدرت نرم» از جمله مفاهیمی است که امروزه در محافل علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان بر آن تأکید زیادی شده است و با وجود داشتن سابقه‌ای کوتاه در متون مکتوب سیاسی و بین‌المللی، منابع و مؤلفه‌های آن مورد کانون توجه بسیاری از سیاستمداران و سیاست‌سازان جهانی، به‌خصوص در سال‌های اخیر قرار گرفته که از منظر کلی، قدرت نرم در واقع در برابر قدرت سخت قرار گرفته و دو قطب از یک پیوستار قدرت را شامل می‌شوند. همچنین، بر وجود ایده‌ها، فعل‌وانفعالات و نهادهای متفاوت برای سیاست خارجی در حوزه‌های سیاست، امنیت و اقتصاد دلالت دارد. راهبردهای معطوف به قدرت نرم در راستای نیل به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بر ارزش‌های سیاسی مشترک و ابزارهای غیر خشونت‌آمیز جهت مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی تأکید دارند. در مقابل، راهبردهای در راستای پیشبرد منافع ملی بر معطوف به قدرت سخت قرار دارد که عموماً مداخله نظامی، دیپلماسی قهرآمیز و تحریم‌های اقتصادی تمرکز دارند و به اتخاذ سیاست‌های تقابلی با کشورهای هدف منجر می‌شوند. قدرت نرم می‌تواند متکی بر جاذبه فرهنگ، ارزش یا توانایی برای تغییر دستورکار انتخاب‌های سیاسی در قالب رفتاری باشد که سبب شود دیگران نتوانند اولویت‌هایشان را به دلیل اینکه بسیار غیرواقعی به نظر می‌رسند مطرح کنند. جوزف نای بر این عقیده است قدرت نرم توانایی این را که با تکیه بر قدرت جذب دیگران، توجه دیگران را به اینکه نتیجه مطلوب شما را بخواهند وادارید را داراست (Nye, 2004: 5).

وی قدرت نرم را توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه اجبار و تطمیع می‌داند و بر آن است که قدرت نرم ناشی از جذابیت فرهنگ، ایدئال‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور است. نای تعریف‌های مختلفی از قدرت نرم ارائه می‌کند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: توانایی جذب کردن (نای، ۱۳۸۶: ۷۰-۶۸)؛ توانایی شکل دادن به ترجیحات

دیگران (نای، ۱۳۸۴: ۷۱)؛ توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه؛ توانایی تعیین اولویت‌ها به گونه‌ای که مشروع به نظر رسیده یا دارای اعتبار معنوی باشد (نای، ۱۳۸۷: ۶۵)؛ قدرت جذب، اقناع و شیفتگی، یک نیروی فرهنگی - اقتصادی، تغییر شکل قدرت از قدرت آمرانه به قدرت متقاعدکننده (Nye, 2004: 65)؛ توانایی تأثیر بر دیگران به نحوی که خواسته شما به خواسته آن‌ها تبدیل شود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۶). ضمناً نکته مهم اینکه جوزف نای در آثار اولیه خود؛ انواع قدرت را شامل سه قدرت نظامی، اقتصادی و نرم تعریف نموده و قدرت اقتصادی را مانند قدرت نظامی، جز قدرت سخت به شمار می‌داند اما در آثار بعدی خویش، منابع اقتصادی را جز یکی از منابع قدرت نرم محسوب نموده و بر این اعتقاد است که: منابع اقتصادی هم می‌تواند رفتار نرم و هم رفتار قدرت سخت تولید کند (نای، ۱۳۸۹: ۳۲). تعریف کامل قدرت نرم عبارت است از: توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق روش‌های مشارکتی، تعیین دستور کار، متقاعدسازی و جذب مثبت به منظور به دست آوردن نتایج مطلوب (نای، ۱۳۹۰: ۶۵). بدین ترتیب مطابق مباحث گفته شده می‌توان گفت که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. به این ترتیب، در به کارگیری قدرت نرم نتایجی به صورت تولید رضایتمندی، تولید اعتقاد، تولید اعتبار و تمکین به دست می‌آید (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۰۰).

۲. تعریف امنیت

مقوله امنیت تاریخی به بلندای حیات اجتماعی بشر دارد و از روزگاری که افراد و گروه‌های اجتماعی توانستند با غلبه بر جامعیت، یکجانشین شوند و اجتماعات اولیه را تشکیل دهند، مسئله امنیت به عنوان یک نیاز اساس، خود را بر گروه‌های انسانی تحمیل

کرد. تاریخ، جامعه‌ای را سراغ ندارد که مدت زیادی را فارغ از دغدغه‌ها و معضلات امنیتی، روزگاری سپری شده بود. (بیات، ۱۴۰۰: ۲۶)

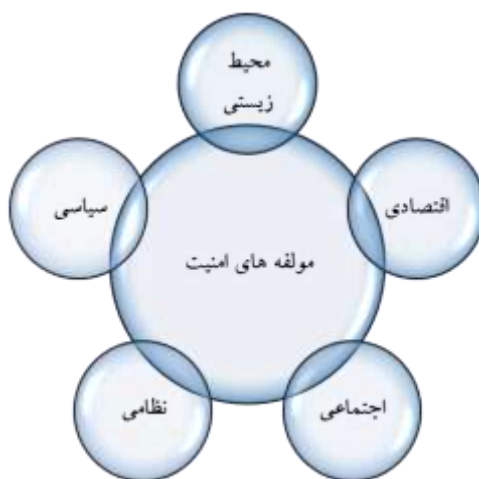
امنیت به معنای دستیابی به شرایط رهایی از تهدید، توانایی دولت‌ها و جوامع در حفظ هویت مستقل و یکپارچگی کارکردی آن‌ها در برابر نیروی تغییری که آن‌ها، آن را متخاصم می‌دانند. کف سطح امنیت، بقاست؛ اما به صورت منطقی طیف گسترده‌ای از نگرانی‌ها راجع به شرایط موجود را نیز در برمی‌گیرد. جی جکسون پریس در کتاب «امنیت در روابط بین‌الملل» به تشریح این مفهوم می‌پردازد. او معتقد است که «امنیت، هسته اصلی ارزش و بها در زندگی انسان است. امن بودن به این معناست که در مواجهه با ترس یا خطر، دچار مشکل نشویم. همان‌طور که توماس هابز به ما یادآوری می‌کند بدون امنیت جایی برای صنعت نیست... نه هنری وجود دارد و نه جامعه‌ای و بدتر از همه، ترس دائمی و خطر شدید وجود خواهد داشت و مرگ و زندگی افراد در انزوا و فقر و پست و کوتاه خواهد بود. تمایل به امنیت، یک واکنش دفاعی و حفاظتی در پاسخ به اقدام یا تهدید از سوی دیگران است. در ادامه او مفهوم امنیت را در قالب اهداف یک دولت بررسی می‌کند؛ دولت‌ها در اصل، ترتیبات و آرایش امنیتی بودند و امروز نیز چنین است. حجم عظیمی از منابع دولتی جهت حفظ نیروهای مسلح مؤثر، اجرای اقدامات ضد تروریستی، ضمانت دفاع از غیرنظامیان و در شرایط اضطراری، استفاده از اطلاعات برای کشف و مقابله با حمله خارجی و خرابکاری داخلی، استفاده از دیپلماسی جهت تقویت اتحاد و شناسایی تهدیدات و بهره‌برداری از قدرت اقتصادی برای تشویق همکاری و یا تضعیف رقبای سیاسی. امنیت دولت به توانایی‌های آن در حفاظت از خود در برابر خطرات و تهدیدات بیرونی مانند مداخله، محاصره، تهاجم، تخریب، اشغال و یا برخی از مداخلات پرهزینه مانند یک قدرت خارجی دشمن و یا گروه‌های تروریستی، اشاره دارد. هدف امنیتی دولت، بازدارندگی، ایجاد ممانعت و یا شکست تهاجم علیه دولت و شهروندانش است. (Preece, 2011: 5) امنیت مفهومی لغزان دارد. هم می‌تواند وسیله باشد و هم

هدف. با نگاه عینی به مقوله امنیت، اشکالی قابل تصور است: اول؛ وضعیت بدون تهدید. به عبارت دیگر، امنیت مطلق. دوم؛ حالتی است که با خنثی سازی تهدید تعریف می شود، به اصطلاح امنیت حفاظت شده. سوم؛ نوعی اجتناب از تهدید. (Zedner, 2003: 3)

رویکرد بری بوزان (در نگاه به امنیت) جامع تر است. درحالی که او تحلیل خود را با باورهای نئورئالیستی مانند آنارشی جلو می برد اما نیم نگاهی هم به هنجار باوری دارد و به منظور دستیابی به آگاهی بیشتر، سعی در بررسی یک به یک عناصر مرتبط با پکیج امنیتی دارد که مطرح می کند. او امنیت را از هر زاویه ای که از خرد به کلان در حرکت است، می بیند. همچنین به جنبه های اجتماعی امنیت نیز می پردازد. جنبه های جدید پازل امنیتی که توسط بوزان ارائه می شود مانند امنیت منطقه ای، امنیت اجتماعی و امنیت محیطی، ابزار مفیدی برای یک سیاست گذار است تا بتواند نگرانی های امنیتی ملی و بین المللی را بررسی کند (Stone, 2009: 10).

محققان بر این باورند که امروزه مفهوم امنیت تحول یافته و دارای ابعاد تازه ای شده است. به گونه ای که دولت ها امنیت را در توسعه و نه در اسلحه سراخ می گیرند (افتخاری و همکاران، ۱۳۷۰: ۲). به نظر می رسد امنیت و توسعه ی آن در داخل کشور دارای اهمیتی درخور توجه است که اندیشمندان راهبردی کشور آن را به عنوان یکی از اهداف اصلی سند چشم انداز ۱۴۰۴ قرار داده اند مفهوم امنیت ملی در جمهوری اسلامی دو بعد داخلی و فراملی را شامل می شود که تا حدی ناشی از نگرش ایدئولوژیک حاکم بر فضای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. حفظ استقلال و تمامیت ارضی، امنیت و رفاه ملی، صلح و آسایش، رشد و توسعه اقتصادی از جمله مؤلفه های امنیت ملی در سطح داخلی و ملی برای ایران است. بعد دیگر امنیت ملی جنبه فرامنطقه ای دارد که شامل اهدافی که با توجه به ایده آل ها و باورها و ارزش های حاکم بر جامعه با دیدی وسیع تر از تأمین منافع ملی، احساس رسالتی و رای مرزهای کشور دارند می شود؛ به شکلی که اهداف و منافع ملی را تحت الشعاع منافع جهانی یا منطقه ای نظام قرار می دهند. مبارزه با استکبار جهانی و اسرائیل،

حمایت از آرمان‌های فلسطین، حمایت از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش در زمره این اهداف در چارچوب امنیت ملی قرار دارند. در واقع این تعریف با این اهداف، نگرش‌های مختلف مکتب کپنهاگ، امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز در برمی‌گیرد.



۳. امنیت ملی

امنیت ملی امروزه یکی از رایج‌ترین مفاهیم در قلمرو مناسبات جهانی و مباحثات سیاسی است. امروزه این مفهوم از عرصه مطالعات دانشگاهی و فعالیت‌های دیپلماتیک پا را فراتر نهاده و به حوزه مطبوعات و رسانه‌های همگانی نیز کشانده شده است. (بیات، ۱۴۰۰: ۳۳)

والتر لیپمن محقق و نویسنده آمریکایی اولین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف نموده است. وی اذعان می‌کند: یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کرده و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را پیش برد. رابرت مک‌نارا نیز می‌گوید: اگر امنیت دال بر وضعیتی باشد، آن وضع حداقل نظم و ثبات خواهد بود. ریچارد کوپر نیز معتقد است: توان جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌هایش، امنیت ملی است. (بوزان، ۱۳۸۷: ۳۱)

رابرت ماندل امنیت ملی را چنین تعریف کرده است: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی و جز مسئولیت‌های حکومت ملی است تا از تهدیدات مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود، ممانعت به عمل آورند. (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۲).

بنابراین می‌توان گفت که امنیت ملی به فرآیندهای زیر اطلاق می‌گردد:

۱- حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان و دین مردم، بقای و ادامه سیستم اجتماعی و حاکمیت کشور

۲- حفظ و ارتقای منافع حیاتی کشور

۳- فقدان تهدید جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور، چراکه امروزه سازگار کردن محیط با اهداف داخلی بسیار مهم است. (عامری، ۱۳۷۰: ۳۳۴)

۱-۴-۱- شاخص‌های امنیت ملی

آموزش: مهم‌ترین شاخص در همه کشورها است. در دوره کنونی پژوهش‌های علمی نیروهای تغییر تکنولوژیک را برای اقتصاد فراهم می‌کنند. اساساً هر کس صاحب دانش باشد در جهان برتری و قدرت دارد. دانش تکنولوژیک در درجه اول منتهی به رشد اقتصادی در بعد عینی است و آموزش در جنبه ذهنی، ملتی خودآگاه به حقوق خود را پرورش می‌دهد که جز به نام‌های مردم‌سالار گرایش دیگری ندارند. کاربرد آموزش و تحقیق علمی نیازمند شناخت نسبت به محیط اطراف است و همین آموزش و دانش منجر به سلطه بر محیط می‌شود. نتیجه آموزش به اصل مهم دیگری منجر می‌شود و آن مدیریت منابع به نحو بهینه است. آنچه دانش را تبدیل به قدرت می‌کند، تجاری‌سازی آن است که بین تحقیقات و کاربرد آن‌ها پل می‌زند. در جوامع در حال توسعه یا آموزش در سطح ذهنی باقی‌مانده و یا در اساس در اولویت سیاستمداران نیست؛ زیرا که دولت بر ملت ارجحیت دارد (Hill, 1987: 5-7).

ثبات اقتصادی: جوامع دارای ثبات اقتصادی، ضریب امنیت بالایی نسبت به جوامع دارای اقتصادهای ضعیف دارند. ثبات اقتصادی خود منجر به مشروعیت و مقبولیت ساختار سیاسی می‌شود. وابستگی به منابع طبیعی برای درآمد و رانت این منابع به شدت اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه را در برابر تکانه‌های اقتصاد جهانی و تحریم‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. به‌ویژه اینکه این کشورها از جمله ایران با ارائه سوبسیدهای انرژی به مردم، به‌نوعی عدم خلاقیت در جامعه دامن می‌زنند که با کاهش درآمدهای نفتی، امنیت ملی را توسط مردمان آن جامعه به چالش می‌کشد. نتیجه اولیه این وضعیت، بی‌ثباتی‌های سیاسی و کاهش اعتماد مردم به حاکمیت است. مدیریت ناکارآمد این سوبسیدها به‌نوعی اغلب به سود اقشار ثروتمند جامعه شده است. چه اینکه بعدها با فشار تحریم‌ها دولت مجبور می‌شود سطح درآمد داخلی مردم خود را پایین آورد و به‌نوعی برای تداوم این سوبسیدها خزانه ملی را غارت کند (FBirol, 1995: 1-7).

تأمین نیازهای اولیه: یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت ملی در جوامع در حال توسعه توجه به رفاه و رشد شهروندان جامعه است که شامل شغل مناسب، درآمد کافی، مسکن و غیره است که در قالب نیازهای اولیه نمود می‌یابد. در واقع امنیت ملی یک جامعه در صورتی تضمین شده است که مردمان آن جوامع به‌واسطه فقدان دسترسی به نیازهای اولیه خود علیه هم و علیه دولت موضع نگیرند. موضوعی که در جوامع در حال توسعه و از جمله ایران مشاهده می‌شود. ۲۰ تا ۴۰ درصد جمعیت جوامع در حال توسعه در کلان‌شهرهای این کشورها حاشیه‌نشین هستند و این روند رو به افزایش است. جوامع در حال توسعه بالاترین میزان نرخ بیکاری در جهان را دارند. در نتیجه میزان شورش‌های اجتماعی و ناامنی‌ها و توسل به جرائم علیه امنیت، اموال و اشخاص در این جوامع روند تصاعدی داشته است. به‌گونه‌ای که نرخ رشد این جریان در کشورهای در حال توسعه تقریباً به ۴۰ درصد می‌رسد که سهم افراد بی‌خانمان بیش از ۸۰ درصد است (Friedman, 1988: 2-5).

امنیت زیست محیطی: در جوامع در حال توسعه مسئله توسعه و انقلاب تکنولوژیک در تضاد با امنیت زیست محیطی است. در واقع امنیت زیست محیطی با موجودیت یک کشور و ملت ارتباط تنگاتنگی دارد و سایر حوزه‌های امنیت را متأثر می‌سازد. شیوه‌های تولید اقتصادی قدیمی و وابستگی به انرژی فسیلی بحران امنیت زیست محیطی در این جوامع را برجسته کرده است. به ویژه اینکه برای کسب درآمد اقتصادی منابع طبیعی اولویت اصلی برای تولید هستند که زیست بوم را تهدید می‌کند. گاه برای تأمین منابع اقتصادی در این جوامع به ویژه در ارتباط با منابع آبی، رقابتی مخرب در منابع مشترک شکل می‌گیرد که یا به جنگ منتهی می‌شود و یا در آینده بهره‌برداری از این منابع به فاجعه مشترکات می‌انجامد. این مسئله پیامدهای سیاسی حتی برای دولت‌های این جوامع دارد. در حالی که در این کشورها دولت نهایت تلاش برای به حداقل رساندن تغییرات سیاسی را دارد (petras, 2000:7).

امنیت سیاسی: این مؤلفه در ارتباط با رژیم و مشروعیت آن در جامعه است. ساختارهای دموکراتیک در جوامع توسعه یافته نشان داده‌اند امنیت سیاسی بالایی دارند. در حالی که ساختارهای اقتدارگرا در انواع مختلف خود در جوامع در حال توسعه همواره ثابت کرده‌اند یک پایه بحران داخلی بوده و از مشروعیت لازم برای تداوم برخوردار نیستند. به ویژه در عصر جهانی شدن این ساختارها قابلیت انطباق پایینی داشته و اغلب در برابر امواج جهانی شدن ناکارآمد هستند (Bahadur, 2011:3-7).

امنیت زیر ساختاری: یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی امنیت زیر ساختاری است که در دوران جدید نمود ذهنی آن متشکل از سه مؤلفه مدیریت، تصمیم‌گیری و رویکرد شناختی برجسته است. توجه به نقش افکار عمومی و لحاظ کردن منافع همگانی در مدیریت و تصمیم‌گیری رویکردی دموکراتیک در جوامع توسعه یافته است. رویکرد شناختی در واقع آن برآورد ذهنی از منافع عمومی جامعه توسط دولت است. این مؤلفه‌ها نیازمند زیر ساختاری متشکل از جوامع مدنی است که پل بین دولت و جامعه باشند. یک

جنبه این مؤلفه به مدیریت استراتژیک و پیشا بحرانی و تصمیم‌گیری مبتنی بر مدل‌های هوش مصنوعی است. سرعت تغییرات در دوره کنونی به قدری بالا است که حاکمیت سیاسی در جامعه باید نسبت به امورات به حدی از آگاهی باشد تا توان مدیریت از دست نرود ((bhatt,2019:3-9).

منابع مولد قدرت نرم

نای در بررسی‌های خود از سه مؤلفه به‌عنوان منابع قدرت نرم نیز یاد می‌کند که عبارت‌اند از: فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی. البته وی سه مقوله مذکور را به‌صورت مطلق مطرح نمی‌نماید بلکه برای آن‌ها شروطی قائل می‌شود. از دیدگاه وی چنانچه فرهنگ برای دیگران جذاب باشد همچنین ارزش‌ها در صورتی که در داخل و خارج مورد توجه قرار گیرند و البته توسط اقدامات و رویه‌های ناهمخوان تضعیف نگردند و سیاست خارجی در صورتی که مشروع درون‌گذارنده و دارای اقتدار اخلاقی به نظر آید، در زمره منابع قدرت نرم محسوب می‌شود. (Nye, 2010: 4) ندارد ادامه این منابع سه‌گانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- فرهنگ می‌تواند مولد قدرت باشد. وی شرط جذابیت را مطرح می‌کند و عقیده دارد فرهنگ کشوری را می‌توان قدرت آفرین نامید که در انظار مردمان دیگر کشورها جذاب باشد. (سعیدی فر، ۱۳۹۳: ۱۱۰) لذا باید توجه داشت که اولاً جذابیت منابع فرهنگی، به‌عنوان ویژگی ذاتی نه اکتسابی؛ یعنی فرهنگ یا ذاتاً جذاب است یا جذاب نیست و بنابراین نمی‌توان با فعالیت‌هایی مانند دیپلماسی عمومی منابع فرهنگی را به سهولت تغییر داد و به ذخایر آن افزود، ثانیاً جذابیت فرهنگی مطلق نیست بلکه بستگی به دریافت و تفسیر مخاطبان دارد. (هادیان و واحدی، ۱۳۸۸: ۱۰۴-۱۰۳)

۲- ارزش‌های بنیادینی که یک دولت آن‌ها را پذیرفته و سرلوحه عمل خویش قرار داده است، چنانچه جذاب باشد و در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند می‌توانند در نقش منابع مولد قدرت نرم ظاهر شوند. (سعیدی فر و مقدم، ۱۳۸۸: ۱۱۰)

جوزف نای شماری از ارزش‌های آمریکایی مانند مردم‌سالاری، آزادی فردی، گشودگی و تحرک رو به بالا را برخوردار از چنین خصیصه‌ای می‌داند. به‌زعم وی این ارزش‌های قدرت آفرین در آینه فرهنگ‌عامه (مانند آزادی فردی)، رفتارها و سیاست داخلی (مردم‌سالاری)، نحوه عملکرد در نهادهای بین‌المللی (مانند گوش دادن به سخن دیگران) و سیاست‌های خارجی و یک کشور (مانند پیشبرد صلح و حقوق بشر) متجلی می‌شود. (Nye, 2002: 4)

۳- سیاست خارجی

سیاست خارجی به‌عنوان چراغ راهنمای منافع ملی و همچنین مجموع کنش‌ها و واکنش‌های یک کشور در ارتباط با سایر بازیگران نظام بین‌الملل به‌عنوان یک منبع بالقوه قدرت نرم قلمداد می‌شود. فعالیت سیاست خارجی زمانی منجر به بسط و افزایش قدرت نرم می‌شود که از جهت جامعه هدف به‌عنوان یک عمل جذاب نیز شناخته می‌شود.

منابع قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

۱- ارزش‌های مسلط جامعه

در ایران، بنیان عمده قدرت نرم، از ارزش‌های مسلط در جامعه و ایمان نشئت می‌گیرد. در این راستا، می‌توان در توسعه قدرت نرم از بزرگ‌ترین انقلابی که در قرن بیستم با تکیه بر استراتژی فرهنگی، به‌عبارت‌دیگر قدرت نرم رخ داد، یعنی انقلاب اسلامی یاد کرده است. (حسن بیگی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۳). ایران پس از انقلاب اسلامی، با تکیه بر قدرت نرم باورها و اعتقادات مذهبی خود، سیاست تبدیل‌شدن به یک قدرت منطقه‌ای در منطقه خاورمیانه و یک قدرت متوسط در نظام بین‌الملل تعقیب نمود. در واقع انقلاب اسلامی مولود قدرت نرم و جمهوری اسلامی مبتنی بر قدرت نرم شکل گرفت و در ایران سال ۱۳۵۷ مردم بر اساس ایمان و اعتباری که برای امام خمینی (ره) قائل بودند، باعث جوشش قدرت و ایجاد نظمی جدید شدند، «شرعی کردن سیاست» استراتژی امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی بود. (حسن بیگی و رئیس‌ی دهکردی، ۱۳۸۹: ۱۰۸)

۲- ارزش های انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی به جهت ماهیت اسلامی خویش، خاستگاه قدرت نرم آن متفاوت با رویکرد غرب نسبت به قدرت است. در حقیقت قدرت نرم، ابعاد و ماهیت انقلاب اسلامی و آموزه‌های دینی آن گستره انسان شناسانه، هستی شناسانه و معرفت شناسانه از ابعاد قدرت نرم مورد نظر ژوزف نای و دیگر اندیشمندان متفاوت بود. (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۹) همچنین برخی از متفکران از جمله آبراهامیان اذعان می‌کنند که منظومه فکری امام خمینی (ره) مبتنی بر ابعاد نظری با خاستگاه آموزه‌های دینی است، لیکن برخی از عناصر محوری و بنیادین داشته‌اند. خودساختگی امام، آگاهی به زمان، تدبیر، شجاعت کم‌نظیر، اتکا به خدا اعتماد به نفس و اعتقاد به مردم، عنصر تکلیف گرایی و... ابعادی از این منظومه بوده‌اند که بسترساز قدرت نرم در انقلاب اسلامی می‌شدند. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۲) در واقع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در فرهنگ، تاریخ، تمدن، ارزش‌های سیاسی، قانون اساسی مبتنی بر ارزش‌های مردم‌سالاری دینی مشارکت مردم در حکومت، اقتصاد پویا و روند مباحثات نظری در میان نخبگان ریشه دارد. (ملکی، ۱۳۸۶: ۱۲)

۳- قدرت نرم در اسناد بالادستی

مؤلفه‌های منابع سیاسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران بر اساس ویژگی سوم بیان شده در سند چشم‌انداز، کشوری امن، مستقل و مقتدر است. این رویکرد، دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی است. کشوری می‌تواند امن باشد که در داخل آن، مردم از حداقل‌های زندگی برخوردار باشند و دولت نگرانی از تهدید خارجی نداشته باشد. در کشور امن، آحاد مردم، از امنیت در حوزه‌های مختلف برخوردارند و در آسایش و به‌دوراز ترس و ارباب، به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دهند (علایی، ۱۳۹۱: ۲۱). در عین حال، در اصل اول چشم‌انداز، به «بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی اشاره شده است. به‌هر روی، جامعه امن، یکی از لوازم ارتقای قدرت نرم است؛ زیرا در یک جامعه بی‌ثبات، نمی‌توان وحدت و همبستگی را حفظ کرد و شرایط عمران و آبادی،

توسعه، کارآمدی، مشروعیت و سرمایه‌های اجتماعی نظام مخدوش می‌شود و زمینه‌های زوال قدرت به وجود می‌آید. در نقطه مقابل، جامعه امن نیز شرایط رشد اقتصادی، ثبات داخلی، اجرای برنامه‌های کلان دولتی، تعامل قوی در سیاست خارجی به پشتوانه محیط امن داخلی و... را فراهم می‌آورد. اگرچه تأمین امنیت از مهم‌ترین کار ویژه‌های هر نظام سیاسی است، اما مانایی مبتنی بر شاکله اصلی و طی طریق در مسیر پیشرفت و تعالی همه نظام‌ها، در گرو آن است که امنیت، نه موضعی (از منظر مکان) و نه نقطه‌ای (از نظر زمان) و نه متکی بر انگاره‌ها یا سازه‌های متزلزل، بلکه به صورت پایدار و مستحکم حاصل شود. امنیت، در مواجهه با تغییرات محیطی که تلاطم آن متأثر از تقاطع تنش‌آفرین منافع حیاتی بازیگران متعدد با مبانی ارزشی متعارض است، بسیار شکننده خواهد بود؛ از همین روست که تأمین امنیت همه‌جانبه و مستحکم، دغدغه همه دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌هایی است محیط امنیتی آن‌ها نامطمئن و ناپایدار است. دولت‌ها برای کنترل گسل‌های امنیتی درونی و پیشگیری از گسست‌های ناشی از ضربه‌های مستقیم یا تکانه‌های غیرمستقیم محیطی، راهبردهایی از قبیل ایجاد محیط پلیسی و امنیتی، تکیه بر ستون‌های قدرت بیرونی و... را اتخاذ می‌کنند؛ اما جمهوری اسلامی ایران، استحکام ساخت درونی قدرت را به‌عنوان نسخه راهبردی تحقق امنیت پایدار خود برگزیده است. استحکام ساخت درونی، در گرو به کار گرفتن عقل، معنویت و توکل، نگاه به ظرفیت‌های درونی، وحدت کلمه و حضور مؤثر، مستمر و هوشمندانه مردم در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره است که ملالت آن ایمان و آمادگی برای مجاهدت و اولویت آن ساخت درونی و باطنی خود (درون شخصی افراد و درون کلیت جامعه) است و با تکیه بر مفهوم ولایت که تقرب خلال ناپذیر میان امام و امت در چهارچوب ارزش‌های اسمی را مطرح می‌سازد ممکن می‌شود. استحکام ساخت درونی با افزایش ضریب نفوذناپذیری نظام، سلب اراده تهاجمی دشمن و در نتیجه بازدارندگی را محقق می‌سازد؛ سطح تعادل سیستم را گسترش می‌دهد؛ نوسان‌ها و موج‌های طبیعی برآمده از جریان‌های داخلی را هضم می‌کند؛ منشور امنیت را چندوجهی

می‌سازد؛ شبکه گسترده‌ای از رصد، پایش و مقابله را با پیوند هم‌افزا و اثربخش میان تک-تک سلول‌های مردمی شکل می‌دهد؛ مسئولیت امنیت را از دولت به ملت-دولت شکل یافته در یک قالب واحد منتقل می‌کند و درنهایت، قدرت نرم را افزایش می‌دهد (ظریف منش، ۱۳۹۴: ۴۰).

باید گفت از دیربگام، مفهوم امنیت در مقام دانش، واژه‌های غلیظ، قابل حس و خواستنی، اما غیر شفاف، دیر ادراک و توهم‌زا در تاریخ بشر حضور یافته و این ابهام، در بستر تغییر و تحولات پیچیده ناشی از فشردگی زمان و مکان در عصر انقلاب فناوری ارتباطات - اطلاعات، روزافزون شده است. شاید زندگی امن، نخستین و عالی‌ترین درخواست بشر باشد؛ زیرا در سایه تحقق آن، درخواست‌های دیگر امکان تحقق می‌یابد. از این رو، جامعه و کشور امن در نگاه استراتژیست‌های مدرن، زیربنای توسعه پایدار تلقی می‌شود و هم‌نشین قدرت و منافع ملی است (قدسی، ۱۳۹۱: ۱۳۵) کشور امن، ناظر به استحکام درونی قدرت ملی است و زمانی که کشور از ثبات و امنیت همه‌جانبه برخوردار باشد، قدرتی متعالی خواهد داشت در واقع، استحکام درونی، آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به‌سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع می‌دهد. باید در درون مستحکم بود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۴/۸). بنابراین پرداختن به این موضوع از بنیان‌های سیاست ملی تلقی می‌شود.

جمع بندی

امروزه با اجرای تهدید نرم می توان با کمترین هزینه با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت های فیزیکی به هدف رسید. زیرا تهدید نرم باعاطفه، احساسات، فکر، اندیشه و باور و ارزش های یک ملت و نظام سیاسی در ارتباط است. گرچه این مؤلفه ها رابطه تقابلی نیز دارد بدین معنا که امنیت نرم نیز باعاطفه، احساسات، فکر، اندیشه و باور و ارزش های یک ملت و نظام سیاسی ربط وثیق دارد همان گونه که تهدید نرم به روحیه، به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می کند، عزم و اراده ملت را از بین می برد، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست های نظام را تضعیف می کند. راهکار مقابله ای نیز در افزایش روحیه، عزم و اراده و اعتلای آرمان هاست. با ظهور فناوری جدید و علوم ارتباطات، ظهور وسایل ارتباط جمعی و رسانه های متنوع نوین، ابعاد تهدید نرم، گسترده تر و پیچیده تر شده است و فصل قابل توجهی از نظریه های جدید امنیتی و راهبردهای قدرت سلطه گر، به این امر اختصاص داده شده است که عبور بی توجه از آن برای نظام های سیاسی مورد هدف، می تواند منجر به راه بدون بازگشت گردد. با توجه به رویکرد دولت های سلطه گر، لازم است ضمن شناسایی اهداف آنان، ابزارها و روش های بکار گرفته شده نیز شناخته شود تا راه و مسیر مقابله با تهدید نرم بر طراحان و برنامه ریزان مشتبه نشود و خود باعث نشوند زمینه ظهور تهدید نرم هموار و امنیت نرم خدشه دار شود. در صورت توجه نکردن به این مهم دشمن فقط کافی است اطلاعات و منابع تولید رفتار خود را تنظیم کند، سپس بلافاصله می تواند رفتارها و رویکردها را در یک دسته بندی جدید ارائه دهد و جامعه مورد نظر را به سمت هدف مدنظر هدایت نماید و از امکانات و ظرفیت های موجود در نظام به عنوان آغاز، یا تشدید تهدید نرم بهره گیری نماید. پیشرفت های قابل توجه در فناوری ارتباطات به ویژه ماهواره و اینترنت، زمینه های تبلیغ و اشاعه فرهنگ غرب و وقوع تهدید نرم را شدت بخشید. این فرهنگ که در صد یکسان سازی فرهنگی و دستیابی به دهکده جهانی بوده، کمرنگشان ارزش ها و هنجارها

را به دنبال داشته است و جوامع هدف به خصوص جوامع جوان را در معرض آسیب پذیری اقدامات استکبار در حوزه تهدید نرم قرار داده است. بر همین اساس سه منبعی که قدرت نرم ایران را در برابر تهاجمات نرم توانسته مصون بدارد این است که منابع قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

ارزش‌های مسلط جامعه: قدرت نرم ایران عمدتاً از ارزش‌های دینی و فرهنگی نشأت می‌گیرد که با انقلاب اسلامی تقویت شد. این انقلاب با تکیه بر ایمان و رهبری امام خمینی، قدرت جدیدی را در ایران شکل داد و سیاست تبدیل ایران به یک قدرت منطقه‌ای را دنبال کرد.

ارزش‌های انقلاب اسلامی: قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، برخاسته از فرهنگ، تاریخ، تمدن، و ارزش‌های انقلاب اسلامی است که با دیدگاه‌های دینی امام خمینی شکل گرفت. این ارزش‌ها شامل خودسازی، شجاعت، اتکا به خدا و اعتماد به مردم است.

قدرت نرم در اسناد بالادستی: در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، بر امنیت، استقلال، و اقتدار کشور تأکید شده است. امنیت به عنوان یکی از عناصر اصلی قدرت نرم، نیازمند استحکام درونی قدرت ملی است. استحکام درونی، توانایی مقابله با چالش‌ها و تحقق امنیت پایدار را به جامعه می‌دهد و موجب افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- افتخاری، اصغر و همکاران. (۱۳۸۷)، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، چاپ اول. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ دشتی، محمدحسین. (۱۳۹۷). مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۸، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۲۱.
- انعامی علمداری، سهراب. (۱۳۸۷). تهدیدات نرم با الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده در برابر ایران، فصلنامه تخصصی گزارش جمهور، شماره ۲۶ و ۲۷، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس: مشکل امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام (۱۴۰۰)، نظریه‌های امنیت ملی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- بیگی، مهدی (۱۳۸۸)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، چاپ اول.
- پوستین چی، زهره (۱۳۸۹)، قدرت نرم در گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۳ (دوره پیاپی ۳)، صص ۷-۳۶.
- پیشگاهی فرد، زهرا و همکاران (۱۳۹۰)، جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۱، زمستان، صص ۲۱۱-۱۹۱
- جاکووالس، کالوی. (۱۳۷۳). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل ترجمه بهرام مستقیم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- جعفری پناه، مهدی و منصور میراحمدی (۱۳۹۱)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی، فصلنامه معرفت سیاسی، سال چهارم، پاییز و زمستان، شماره ۲.
- حسن بیگی، ابراهیم و اردشیر رئیسی دهکردی (۱۳۹۴)، مقوم های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر الهام بخشی، فصلنامه امنیت ملی، سال چهارم، شماره پانزدهم، بهار، صص ۱۶۴-۱۳۳.
- حسن بیگی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۵)، واکاوی عناصر قدرت در نرم در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه امنیت ملی، سال ششم، سال نوزدهم، بهار.
- دشتی، فرزانه؛ باقری نیا، حدیث؛ پور دانش؛ سامر، مکرمی پور (۱۴۰۰)، مؤلفه های قدرت نرم در الگوی اقتصاد مقاومتی، فصلنامه دولت پژوهی جمهوری اسلامی ایران، دوره جدید، سال هفتم، شماره سوم، پاییز. صص ۳۳-۷.
- دوئرتی جمیز و فالینز گراف، رابرت (۱۳۷۶)، نظریه های متعارض در روابط بین الملل، جلد اول، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- سعیدی، روح الامین و حمیدرضا مقدم فر (۱۳۹۳)، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال چهارم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان، صص ۱۰۷-۱۲۶.
- سنجابی، علیرضا (۱۳۸۰)، استراتژی و قدرت نظامی، نشر پازنگ.
- صبوری، ضیاءالدین (۱۳۹۰)، قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی (مبانی، تحولات، پیامدها)، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ظریف منش، حسین (۱۳۹۴) استحکام ساخت درونی، نسخه راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق امنیت پایدار، چکیده مقالات همایش مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
- عالی، حسین (۱۳۹۱)، امنیت پایدار در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، راهبرد دفاعی، سال ۱۰، شماره ۳۹، پاییز، صص ۱-۳۴.

قدسی، امیر (۱۳۹۱)، قدرت نرم و امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران در پرتو بازتولید سرمایه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۶ (شماره پیاپی ۱۶)، صص ۱۳۵-۱۵۶.

گالبرایت، جان کنت. (۱۳۷۱). «آنا تومی قدرت»، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: انتشارات سروش.

گروه مطالعاتی امنیت ملی (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۹۱)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مناسب‌ترین راه مقابله با آماج جنگ نرم؛ فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال سوم، بهار، شماره ۱.

ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی مرادیان، محسن (۱۳۸۶)، راهنمای جمع‌آوری اطلاعات راهبردی، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.

مطهری نیا، مهدی (۱۳۷۸)، تبیین نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

مکرمی پور، محمدباقر؛ رستمی، محسن (۱۴۰۱)، نقش سیاسی در افزایش قدرت نرم ایران در غرب آسیا، فصلنامه دانش‌نامه سیاسی، ۱۴۰۱، صفحات: ۱۶۲-۱۳۴.

ملک‌زاده، محمد (۱۳۹۳)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در برابر غرب، پایان‌نامه دکتری معارف اسلامی قم، دانشگاه معارف اسلامی.

ملکی، عباس (۱۳۸۶)، سیاست خارجی توسعه‌گرا به مثابه قدرت نرم: توصیه‌هایی برای ایران، کنفرانس سند چشم‌انداز و سیاست خارجی توسعه‌گرا، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۸ اسفند.

نای، جوزف (۱۳۸۴)، مزایای قدرت نرم»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۶.

نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم در عصر اطلاعات»، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.

نای، جوزف (۱۳۸۹)، آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم»، ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق.

نای، جوزف (۱۳۹۰)، آینده قدرت»، ترجمه سید رضا مراد صحرائی، تهران: نشر حروفیه.
نای، جوزف (۱۳۸۷)، «رهبری و قدرت هوشمند»، ترجمه محمود رضا گلشن پژوه و الهام شوشتری زاده، تهران: موسسه ابرار معاصر

یوسفی، محمدقلی. (۱۳۸۹)، فساد و توسعه»، فصلنامه جامعه و اقتصاد، سال هفتم، شماره ۲۵ و ۲۶.

Bahadur, Jeet (2011). "GLOBALIZATION AND HUMAN ASPECT OF DEVELOPMENT IN DEVELOPING COUNTRIES: EVIDENCE FROM PANEL DATA", *Journal of Globalization Studies*, Vol. 2 No. 1, 78–96.

Bhatt, v (2019). "Decision structure, technological self-reliance, and public-enterprise performance",
<https://www.cambridge.org/core/terms>.
<https://doi.org/10.1017/CBO9780511752988.008>.

Fbirol (1995). "The economic impact of subsidy phase out in oil exporting developing countries: a case study of Algeria, Iran and Nigeria", *Energy policy*, vol. 23 pp. 209-215.

Gill, Bates & Huang, Yanzhong (2006). *Sources and Limits of Chinese Soft Power*. Survival. Vol. 48, No. 2. Pp.17-36.

Nye, Joseph S (2002), *The Paradox of American Power: Why th World's Only Superpower Can't Go It Alone*, Oxford University Press.

Nye, Joseph S (2010), "The Future of Soft Power in US Foreign Policy", in Inderjeet Parmar and Michael Cox (Eds.), *Soft Power and US Foreign Policy: Theoretical, Historical and Contemporary Perspectives*, London and New York: Routledg

Nye, Joseph. S (.2004). *Soft Power: The Means to Success in World poitics*, New York: Public Affairs.

Nye, Joseph. S (.2004). *Soft Power: The Means to Success in World poitics*, New York: Public Affairs.

Petras, James (2000). "DEVELOPMENT AND REVOLUTION: CONTRADICTIONS.

Preece, J.Jackson. (2011). "Security in international relations". London: University of London.

Spykman, Nicholas, J. (1942). *Americans Strategy in World Politics*. N.y: Harcourt.

Stone, Marianne. (2009). "Security According to Buzan: A Comprehensive Security Analysis". Columbia University, School of International and Public Affairs 1:1-10.